

## نگاهی اجمالی بر قراردادهای حفظ اطلاعات

محمدحسن صادقی مقدم

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران Mhsadeghy@ut.ac.ir

سیدمحمد طباطبائی نژاد

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران Drtaba@hotmail.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۰/۹/۳۰

### چکیده

امروزه اطلاعات یکی از پایه‌های اصلی هر گونه فعالیت اقتصادی است، به طوری که آن را دارای ارزش مالی ساخته و قابلیت صدق عنوان "مال"، بر اساس شرایط حقوقی، را مهیا کرده است. با این حال فقدان تجسم عینی اطلاعات به عنوان دارایی مثبت از یک سو و شمول حمایت‌های معین قانونی به برخی از اشکال معین اطلاعات که ظهور عینی یافته‌اند از سوی دیگر، دست‌اندرکاران امور تجاری را واداشته است تا، در کنار حمایت‌هایی که در قوانین داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی وجود دارد، با تمسک به قواعد کلی حقوقی و تعهدات قراردادی برای حفاظت از این اطلاعات تلاش نمایند. از جمله این راهکارها انعقاد قرارداد حفظ اطلاعات است که در این مقاله جنبه‌های کلی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از بررسی ماهیت، محتوا و ضمانت اجرای نقض تعهدات مندرج در این قراردادها، این مقاله بدین نتیجه رهنمون می‌گردد که با وجود پذیرش اصل کلی حاکمیت اراده در حقوق ایران و پذیرش شروط مشروعی که در ضمن عقود مختلف میان طرفین مورد توافق قرار می‌گیرد، حمایت‌های قانونی از اطلاعات به عنوان یک دارایی با کاستی‌هایی همراه بوده و بر این اساس نیازمند یک توسعه جدی است.

**کلید واژگان:** حفظ اطلاعات، مالکیت فکری، ضمانت اجراء، تعهد ابتدایی، شرط ضمن عقد

به طور معمول در شرکت‌های تجاری دو روش برای حفاظت از اطلاعات تجاری و صنعتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. روش نخست ثبت اطلاعات برابر قوانین مالکیت فکری، از جمله قوانین ثبت اختراع، است و روش دیگر اعمال روش‌هایی برای محرمانه نگه داشتن اطلاعات بر اساس قواعد عرفی است (هداوند، ۱۳۸۳، ۲۵۴). برخی از اطلاعات مورد بحث ممکن است قابل ثبت باشند؛ اما ثبت برخی دیگر از اطلاعات ممکن است به لحاظ قانونی و یا عملی با موانعی همراه باشد (Hutter, 1978: 4). از جمله این مشکلات می‌توان به لزوم اثبات جدید بودن، خلاقانه بودن، اصالت و کارکرد اختراعی اشاره داشت که دارنده تقاضای ثبت آن را دارد. علاوه بر این حفاظت از اطلاعات، به عنوان نمونه در قالب ثبت اختراع، ملازمه با افشاء آنها به مجاری ذی‌ربط و در نتیجه امکان دسترسی عموم مردم به محتوای فنی اطلاعات مربوطه را دارد. چنین موانعی در راه ثبت این اطلاعات دارندگان آنها را به گزینش راه‌حلی‌هایی جایگزین برای حفاظت از اطلاعات خود وامی‌دارد. از جمله مهمترین و مؤثرترین روشها در این راه انعقاد قراردادهای حفظ اطلاعات به منظور جلوگیری از افشاء اطلاعات است.<sup>۱</sup> قرارداد حفظ اطلاعات<sup>۲</sup> غالباً میان اشخاصی منعقد می‌گردد که به دلایلی، از جمله روابط کاری و قراردادی، نیازمند مبادله اطلاعات هستند و یا اینکه در فرایند اجرای تعهدات قراردادی، یکی از طرفین به اطلاعات طرف دیگر دسترسی پیدا می‌نماید. بر این اساس بین طرفین، رابطه‌ای حقوقی در قالب قرارداد حفظ اطلاعات پدید می‌آید که بر اساس آن طرفی که به اطلاعات متعلق به طرف دیگر دسترسی پیدا می‌نماید، متعهد می‌شود تا آن اطلاعات را به عنوان دارایی طرف دیگر تلقی نموده و از هر گونه افشاء یا سوء استفاده از آنها خودداری نماید. اهمیت این قراردادها بیش از هر چیز ناشی از ارزشی است که اطلاعات در جامعه‌ی اجتماعی و اقتصادی امروز پیدا کرده‌اند (باقری، ۱۳۸۸، ص ۴۴). از همین رو مؤسسات

<sup>۱</sup>. بر اساس آمار سال ۲۰۰۴ انجمن مدیریت منابع انسانی در آمریکا بیش از نیمی از شرکتهای فعال با مستخدمین خود قرارداد عدم افشاء اطلاعات منعقد کرده‌اند.

Keeping Trade Secrets under Wraps; Available at: [www.Washingtonpost.com/wpdyn/articles/15970-2004 June 25/html](http://www.Washingtonpost.com/wpdyn/articles/15970-2004 June 25/html).

<sup>۲</sup>. این قرارداد در متون حقوقی و قراردادی تحت عناوین متعددی مورد استفاده قرار می‌گیرد که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

Non-Disclosure Agreement (NDA), Confidentiality Agreement, Confidential Disclosure Agreement (CDA), Proprietary Information Agreement (PIA), Secrecy Agreement

## نگاهی اجمالی بر قرارداد حفظ اطلاعات/۹۱

بزرگ تجاری، به ویژه شرکت‌های دانش‌بنیانی که اطلاعات به عنوان دارایی اصلی آنها شناخته می‌شود، روش‌های نظام‌مند و پیشرفته‌ای را برای حفظ اطلاعات و اسرار خود برقرار می‌سازند تا از خطر افشاء و بهره‌برداری بدون مجوز اطلاعات توسط سایر اشخاص و شرکت‌ها، مصون بمانند (Hutter, 1981: 311). در همین راستا قراردادهای حفظ اطلاعات به عنوان یکی از ارکان اصلی برنامه‌های سیاست مالکیت فکری این شرکت‌ها مورد شناسایی قرار گرفته است (Shaw, 2001: 161).

در کنار اهمیت رعایت ضوابط حفظ اطلاعات، اطلاعات و دانش فنی جایگاه ارزشمند و مهمی را در روابط تجاری یافته‌اند و تبادل یا مبادله‌ی آن، نه تنها امری مفید، بلکه بخش ضروری این روابط گشته است. از همین رو است که قراردادهایی با ارزش مالی قابل توجه تحت عنوان ليسانس<sup>۱</sup> میان شرکت‌های بزرگ و کوچک و در زمینه‌های متفاوت منعقد می‌شود و سرمایه‌گذاران در بورس و سایر بازارهای مالی و تجاری مبالغ هنگفتی را برای اخذ مشاوره در این زمینه‌ها می‌پردازند. ضرورت تبادل این اطلاعات، دارندگان آنها را نیازمند سازوکارهایی برای حفظ این اطلاعات ساخته است. (رهبری، ۱۳۸۸، ص ۵۶۶) این امر حتی در رابطه با اشخاصی که قرارداد همکاری منعقد می‌سازند نیز صادق است و حتی در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک نیز، به منظور جلوگیری از دسترسی رقبا به اطلاعات، بخشی به منظور الزام طرفین بر رعایت اطلاعات همدیگر گنجانده می‌شود (American Bar Association, 2006: 188).

در این زمینه قوانین متنوعی تصویب شده و کنوانسیون‌های متعددی از تصویب دول گذشته است؛ اما آنچه شکل گرفته بیشتر ناظر بر ظهور مادی این اطلاعات است که تحت عنوان اختراع، اثر ادبی یا هنری و یا طرح‌های مهندسی شناخته شده‌اند. اما در رابطه با خود اطلاعات به صورت مستقیم کمتر اقدامی با قالبی حقوقی اندیشیده شده است و آنچه صورت گرفته بیشتر ناظر بر ضمانت اجرای کیفی دسترسی غیر مجاز به اطلاعات دیگران است. با این حال در رابطه با برخی مصادیق خاص، قواعد حقوقی در برخی کشورهای دنیا وجود دارد. به طور مثال بر اساس قوانین آمریکا کارگری که به هر دلیل رابطه کاری وی قطع شده است نمی‌تواند از اطلاعات کاری و تجاری کارفرمای سابق استفاده کرده و یا آنها را در اختیار اشخاص دیگر قرار دهد

<sup>۱</sup>. License

(Shaw, 2001:161). این مسئله به خصوص در رابطه با مواردی که رقبای کارفرما، جهت استفاده از اطلاعات شرکت‌های رقیب اقدام به استخدام کارکنان سابق آنها می‌نمایند از اهمیت بسزایی برخوردار گشته و رویه‌ای نسبتاً ثابت در رابطه با آن شکل گرفته است. با این حال این کافی نیست که طرفین قرارداد صرفاً به قواعد عمومی حقوقی مالکیت فکری و یا محرمانه نگه داشتن اطلاعات اکتفا نمایند؛ بلکه تعهدات راجع به حفظ اطلاعات باید صریحاً در قرارداد میان آنها ذکر شود (Ramsey, 2007:417). با توجه به اینکه اطلاعاتی که تحت این نوع قراردادها مبادله می‌شود به صورت اختیاری و با اراده مالک تحت تصرف طرف دیگر قرار داده می‌شود، ضمانت اجرای کیفی موضوعیت پیدا نمی‌کنند. بر این اساس طرفی که اقدام به ارائه این اطلاعات می‌نماید برای الزام طرف دیگر به حفظ اطلاعات ناچار است تا به ابزارهای قراردادی و اصول کلی حقوقی متمسک شود (صادقی، ۱۳۸۸، ص ۵۴). قرارداد ارائه اطلاعات نیز در همین راستا، در کنار تعهداتی که تحت قوانین کشورها وجود دارد، این الزام را برای طرف دیگر ایجاد می‌نماید تا اطلاعات در اختیار را تحت شروط آن قرارداد خاص مورد بهره برداری قرار دهد و تعهدات جانبی را در رابطه با حفظ آن رعایت نماید (Shaw, 2001: 161) این قراردادها علی-رغم اختصار، حاوی مسائل مهم و واجد آثار حقوقی عمده‌ای در روابط طرفین هستند و حتی ممکن است حقوق یا تعهداتی را حتی نسبت به اشخاص ثالث ایجاد نمایند؛ این مسئله بررسی جایگاه حقوقی و قانونی آنها را ضروری ساخته است. در ادامه به بررسی اجزاء اصلی این قرارداد می‌پردازیم.

#### بخش اول - ماهیت و شکل قرارداد

##### مبحث اول - ماهیت قرارداد

اگر بپذیریم که معاملات برخلاف عبادیات ماهیت مخترعه شرعی ندارند، (اسلامی پناه، ۱۳۸۰، ۱۰) می‌توان این باور را توسعه داد که اشخاص این امکان را دارند تا مقاصد مشروع خود را در قالب عقدی که خود ابتکار نموده‌اند، اعتباری حقوقی بخشند. بر این اساس ابتکار عقدی جدید تحت عنوان قرارداد حفظ اطلاعات نمی‌توان جزء امور ممنوعه شرعی قرار گیرد و با پذیرش قول به جواز چنین عقدی می‌توان آنها را به صورت کلی در گروه عقود معوض لازم دستة بندی کرد. با این حال مناسب‌تر است تا قراردادهای حفظ اطلاعات، در ضمن یا هم‌زمان با قرارداد پایه منعقد شوند. بر این مبنا قراردادهایی که در زمان‌های دیگر به عنوان مثال هنگام تسویه حساب نهایی با

### نگاهی اجمالی بر قرارداد حفظ اطلاعات/۹۳

موضوع حفظ اطلاعات منعقد می‌شوند، صحیح نبوده و ضمانت اجرایی نخواهند داشت (Walkowiak, 2008:359) زیرا چنین قراردادی در این زمان تعهدی ابتدایی<sup>۱</sup> به حساب می‌آید که مابازایی ندارد. شرط ابتدایی، تعهدی<sup>۲</sup> یک طرفی است که فرد بدون پیوند دادن آن با قراردادی دیگر و یا درج عوضی در مقابل تعهد خود، خود را ملتزم به انجام کاری یا خودداری از انجام فعلی می‌سازد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ۳۴۰). اما هنگامی که این قراردادها در زمان معمول خود، یعنی زمانی که قرار است رابطه‌ای حقوقی آغاز شود، منعقد می‌شود به نوعی در بر دارنده تعهد حفظ اطلاعات و بکارگیری آنها در حدود مفاد قرارداد، در عوض ارائه کار و یا در اختیار گذاشتن اطلاعاتی است که به طور عادی در اختیار عموم مردم قرار ندارد (Stein Gold, 2010:220). این مسئله عوضی مشروع است که غرضی عقلانی در پشت آن است و نمی‌توان آن را بدون منفعت، آن گونه که در فقه (العلامه الحلّی، ۱۴۲۰ ق، ۳۵) و حقوق مدنی ایران از شرایط صحت عقد است، تلقی کرد. بنابراین نمی‌توان آنها را قراردادی بدون عوض یا تعهدی ابتدایی تلقی نمود، هر چند چیزی به عنوان عوض مالی یا ثمن در این رابطه‌ی حقوقی مبادله نگردد. حتی اگر این تعهدات در قالب یک اعلامیه یا تعهدنامه‌ی یک طرفه هم بیاید، باز هم اعتبار حقوقی خواهد داشت و متعهد را ملزم به رعایت مفاد آن می‌سازد، زیرا در اختیار گذاشتن اطلاعات، منوط به تضمین رعایت تعهدات مندرج در اعلامیه بوده است، صرف نظر از اینکه این تعهدات در چه قالبی به عهده گرفته می‌شوند. پذیرش قاعده عمومی حاکمیت اراده و اصل آزادی قراردادی که در ماده ۱۰ قانون مدنی تبلور یافته است نیز بر صحت چنین نظری می‌افزاید، زیرا همان‌طور که عقود غیر معینی مانند بیمه که در زمره عقود مستحدثه هستند، مورد پذیرش شرعی قرار می‌گیرند، بی‌گمان سایر قراردادهای جدید که در برگرفته موضوعات و مسائل مستحدثه هستند، نیز می‌توانند صحیح تلقی گردند، مشروط بر اینکه عوامل بطلان عقود همانند غرر در آنها راه نیابند. اگر قاعده شرعی "المؤمنون عند شروطهم" را نیز به صورت وسیع تفسیر نماییم به نتیجه‌ای مشابه

<sup>۱</sup> برای مطالعه بیشتر در رابطه با ماهیت و جایگاه شرط ابتدایی در فقه و حقوق مدنی رک: ذاکر صالحی، ۱۳۸۳، ص

<sup>۲</sup> البته برخی نویسندگان با اتکا به مفهوم آزادی قراردادی و اصل حاکمیت اراده بر این باورند که "این گونه شرط و بحث از آن در رابطه با نظام پذیرفته شده امروزی قانونی دایر بر آزادی قراردادها تقریباً بی‌فایده است. بنابراین بیش از این که ثمره عملی داشته باشد، ارزش تحقیقی تاریخی خواهد داشت". رک: جعفرزاده، ۱۳۷۶، ص ۸۷

خواهیم رسید، زیرا در این صورت شرط به مفهوم هر گونه الزام و التزام می‌باشد، صرف نظر از اینکه در ضمن عقد دیگری گنجانده شود یا خیر (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ۳۴۱). بناء عقلا نیز بر صحت چنین قراردادی و لزوم پای‌بندی طرفین به مفاد آن دلالت دارد، زیرا در غیر این صورت روابط معاملاتی تجار و شرکت‌ها به هم می‌ریزد و به صورت عملی ریسک انجام پروژه‌ها افزایش می‌یابد. در واقع این قرارداد پوششی است برای خلأی که در نظام قانونی وجود دارد و حمایت قانونی را منوط به تصویب قاعده‌ای خاص و شناسایی آن به عنوان یک حق مالکیت فکری ساخته است. بر این اساس لزومی به درج شرط حفظ اطلاعات در ضمن عقد دیگری نیست و این تعهد می‌تواند به صورت مستقل موضوع عقد جداگانه‌ای باشد. علاوه بر این، در صورتی که شرط را ابتدا واجد وصف الزام آور بدانیم، با توجه به اینکه دلیلی بر جایز بودن عقد حفظ اطلاعات وجود ندارد، می‌توان آن را در زمره عقود لازم تلقی نمود و هیچ یک از طرفین نمی‌تواند از انجام تعهدات خود شانه خالی کرده یا اقدام به فسخ آن نماید.<sup>۱</sup>

در هر حال با توجه ماهیت خاص این نوع از قراردادها و محدودیت‌هایی که به طور یک‌جانبه بر یکی از طرفین تحمیل می‌شود، باید دقت شود تا محتوای آنها مخالف با قواعد نظم عمومی نباشد (Shaw, 2001:163) زیرا این احتمال چندان بعید نخواهد بود که شخصی که متعهد به حفظ اطلاعات شده است به هنگام دعوی و در مقام دفاع به بطلان این نوع از قراردادها استناد می‌نمایند (Hutter, 1981:313). به طور مثال در مواردی که در قرارداد کار، حفظ اطلاعات مستلزم این باشد تا کارگر پس از خاتمه قرارداد کار با کارفرما، به استخدام کارفرمای دیگری در نیاید، این مسئله باید محدود به زمان و مکان مشخصی باشد و به طور مطلق مانع حق انتخاب کار برای فرد نشود.

#### مبحث دوم- شکل قرارداد

قرارداد حفظ اطلاعات می‌تواند بین کارگر و کارفرما، وام‌دهنده و وام‌گیرنده یا با سهامداران و شرکا و یا مشاوران و یا توزیع‌کنندگان و حتی با نمایندگان تجاری و یا پیمانکاران مستقل منعقد شود (Shaw, 2001:161). این مسئله باعث می‌شود تا اقسام مختلفی برای این نوع از قرارداد انتخاب شود. تعهد حفظ اطلاعات ممکن است به شکل یک‌جانبه تقبل شود بدین صورت که یک

<sup>۱</sup> ماده ۲۱۹ قانون مدنی اشاره دارد: عقود که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام قانونی آنها لازم‌التباع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله و یا بعلت قانونی فسخ شود.

## نگاهی اجمالی بر قرارداد حفظ اطلاعات/۹۵

طرف، تحت عنوان اعلامیه یا تعهدنامه، تعهداتی را بعهده گیرد و یا اینکه به صورت قراردادی مستقل منعقد گردد. در مواردی که این تعهد در ضمن یک قرارداد کلی تر می آید<sup>۱</sup> مسائل چندانی مطرح نمی گردد، زیرا صدق عنوان شرط ضمن عقد آن را تابعی از قرارداد اصلی می سازد. اما هنگامی که این قرارداد به صورت مستقل منعقد می شود، با توجه به اینکه ظاهراً هیچ گونه مبادله‌ی مالی در آن صورت نمی پذیرد، ممکن است ابهاماتی ایجاد گردد. به هر حال، همان طور که بیشتر تبیین خواهد شد، صرف نظر از قالبی که تعهد حفظ اطلاعات در آن می گنجد، آنچه در ضمن قرارداد شرط می شود اعتبار حقوقی دارد و شکل حقوقی آن بر آثار مترتب بر تعهدات یا نقض آنها چندان تاثیری نخواهد داشت. در ادامه صور مختلف وجود یا عدم وجود یک یا چند قرارداد پایه را مورد بررسی قرار می دهیم.

### بند اول - عدم وجود قرارداد پایه

به طور معمول برای انجام مذاکرات در رابطه با واگذاری یک پروژه، چه از طریق مناقصه یا مذاکره، به منظور آشنایی پیمانکاران احتمالی با وضعیت و مشخصات فنی، بررسی امکان یا عدم امکان انجام پروژه و ارائه قیمت پیشنهادی، لازم است تا اطلاعاتی در رابطه با شرایط پروژه در اختیار آنها قرار گیرد.<sup>۲</sup> بر این اساس کارفرما بایستی اطلاعاتی را در ارتباط با کار خود در اختیار این اشخاص قرار دهد، اطلاعاتی که اگر چه ممکن است ارزشی مالی داشته باشند لیکن ضرورتاً منافی را برای دارندگان آنها ایجاد نمی کنند و بر دارایی آنها نمی افزایند.<sup>۳</sup> با این حال از میان

<sup>۱</sup> این شرط بیشتر تحت عنوان Confidentiality در قراردادهای تجاری درج می شود.

<sup>۲</sup> بسته به اینکه چه نوع قراردادی در حال مذاکره باشد اطلاعات متفاوتی در اختیار پیمانکار یا طرف قرارداد قرار می گیرد. به عنوان مثال در صورتی که کارفرما شرکتی را برای انجام یک طرح تاسیساتی گازی انتخاب نماید برای شروع کار پیمانکار، که معمولاً در قالب مهندسی، تامین تجهیزات و ساخت عمل می کند (Engineering Procurement Construction, EPC)، لازم است تا کارفرما اطلاعات مهندسی اولیه خود یا همان طرح توجیهی اولیه و اطلاعات مربوط به شمای کلی کار را در اختیار پیمانکار قرار دهد تا بر اساس آن، پیمانکار اقدام به مهندسی اولیه نموده و سپس کار را شروع نماید.

<sup>۳</sup> در این مرحله علاوه بر اطلاعاتی که متعلق به خود کارفرما است احتمالاً اطلاعات دیگری نیز وجود دارد که کارفرما متعهد شده است تا آنها را به صورت محرمانه نگاهداری و از افشاء آنها خودداری نماید. در صورتی که برای انجام پروژه نیاز به افشاء چنین اطلاعاتی به اشخاص ثالث باشد کارفرما مکلف است از گیرندگان اطلاعات، تعهدات

اشخاص مختلفی که به عنوان پیمانکار احتمالی به اطلاعات دسترسی پیدا می‌کنند تنها یکی از آنها موفق به انعقاد قرارداد برای انجام پروژه می‌شود. بنابراین پیش از آنکه کارفرما اطلاعات مورد نیاز را در اختیار آنها قرار دهد بایستی قراردادی را جهت حفظ اطلاعات با آنها منعقد نموده، و آنها را متعهد سازد تا اطلاعات ارائه شده را محرمانه تلقی نمایند و از به کار بردن یا افشای آنها نزد دیگران خودداری نمایند. در این موارد قراردادهایی به عنوان حفظ اطلاعات با آنها تنظیم می‌شود و صرفاً پس از امضای چنین قراردادهایی به آنها اجازه داده می‌شود تا اقدام به بررسی اسناد و مدارک موجود و حتی بازدید از محل انجام پروژه نمایند. همان‌طور که در مبحث قبلی مورد اشاره قرار گرفت، در این موارد نیز هیچ دلیلی بر عدم صحت چنین قراردادی وجود ندارد و طرف دریافت‌کننده اطلاعات ملزم به رعایت تعهد عدم افشاء اطلاعات می‌باشد.

#### بند دوم- وجود یک قرارداد پایه

گرچه رابطه‌ی حقوقی با موضوع حفظ اطلاعات، می‌تواند در قالب عقد ایجاد شود، اما هیچ مانعی ندارد که طرفین آنچه به عنوان عقد می‌توانند برقرار سازند تحت شرطی ضمن عقد ببرند. در واقع بین شرط و عقد تفاوتی نیست و عقد نیز ممکن است تعهد مستقل باشد و ممکن است به عنوان تعهدی تابع ایجاد شود (شکاری، ۱۳۷۷، ۷۴). بر این اساس در قراردادهای ساختمانی که غالباً حجم وسیعی از اطلاعات میان طرفین مبادله می‌شود، طرفین به طور معمول شرطی را تحت عنوان محرمانه بودن اطلاعات در قرارداد می‌گنجانند. در این موارد این تعهد، که شرط ضمن قرارداد پایه است، اعتبار خود را از قرارداد پایه می‌گیرد<sup>۱</sup> (موسوی خمینی، ۱۳۷۵، ۵۱۶). با توجه به اینکه در اغلب قراردادها کارفرما ارائه دهنده اطلاعات است، این تعهد صرفاً بر عهده پیمانکار

لازم را در این رابطه اخذ نماید؛ مانند موردی که کارفرما برای انجام پروژه خود اقدام به اخذ ليسانس از شرکتی نموده باشد و بدنبال این باشد تا برای اجراء پروژه بر اساس ليسانس اخذ شده، کار را به پیمانکار واگذار نماید.

<sup>۱</sup>. البته در رابطه با ماهیت شرط بک اختلاف اندک میان فقها وجود دارد. گرچه اغلب فقها بر این باورند که شروط ضمن عقد از باب لزوم و التزام است نه به شکل تقیید چنانکه امام خمینی در صفحه ۸۶ جلد اول کتاب البیع خود اظهار می‌دارند که "الظاهر منهما- قاموس و اقرب الموارد- انه الالتزام الذي ظرفه البیع لا ان البیع علیه او متقید به، ضروره ان البیع المعلق علی الشرط لا یكون الشرط فیه، و كذا الحال فی المتقید." لیکن برخی فقها همچون شهید اول اعتقاد به ماهیت تقییدی شروط دارند. ایشان در صفحه ۱۲۰ کتاب المععه الدمشقیه می‌فرمایند "كل شرط لم یسلم لمشرطه فانه یفید تخیره و لا یجب علی المشترط علیه فعله، و انما فائده جعل البیع عرضه للزوال عند عدم سلامه الشرط و لزومه عند الاتیان به"



## نگاهی اجمالی بر قرارداد حفظ اطلاعات/ ۹۷

است تا اطلاعات را محرمانه نگه دارد، لیکن در قراردادهای مهندسی یا خرید تجهیزات که اطلاعات مبتنی بر لیسانس به کارفرما ارائه می‌شود، یکی از تمایلات اصلی و مورد اصرار پیمانکاران، دوجانبه کردن این تعهد است. گرچه شرط محرمانه نگه داشتن اطلاعات اعتبار خود را از عقد می‌گیرد و به صورت اولیه هدف از شرط ضمن عقد ایجاد ارتباط میان شرط و عقد در قالب اصل و فرع می‌باشد (فرحزادی، ۱۳۸۵، ۱۸)، لیکن بطلان عقد پایه تعهداتی را که در این شرط گنجانده شده بی‌اثر نمی‌سازد. در واقع همان مبانی که انفکاک اعتبار شرط داوری<sup>۱</sup> از قرارداد پایه را ضروری ساخته است در رابطه با شرط محرمانه نگه داشتن اطلاعات نیز صادق است. همان گونه که در عقد باطل در صورت پرداخت مبلغی، به واسطه دارا شدن بلاجهت مبلغ مزبور بایستی مسترد شود، در اینجا نیز مدارک گرفته شده بایستی مرجوع شود؛ اما این امر نمی‌تواند حقوق ارائه دهنده اطلاعات را به نحو مطلوب تضمین نماید، زیرا اطلاعات صرفاً همان اسناد و مدارک حاوی اطلاعات نیست. بر این اساس لازم است تا تعهداتی که در رابطه با حفظ اطلاعات مقرر بوده است همچنان بر عهده گیرنده اطلاعات باقی بماند.

### بند سوم- وجود چند قرارداد پایه

گاهی لازم است شرکتی برای اجرای عملیات خود قراردادهای متعددی را با یک شرکت خاص منعقد نماید. در این صورت به واسطه استمرار تبادل اطلاعات که فراتر از ارتباط با یک شرکت طرف قرارداد است لازم است تا یک قرارداد حفظ اطلاعات برای تمامی این روابط منعقد شود. این مورد بیشتر در خصوص شرکت‌هایی مصداق دارد که دارایی آنها اطلاعات پایه‌ای است که تولید می‌کنند و در اختیار دیگران قرار می‌دهند. شرکت‌های تحقیق و توسعه از این نوع شرکت‌ها هستند زیرا این شرکت‌ها مبالغ هنگفتی را برای کسب تکنولوژی‌های نوین یا توسعه آنها هزینه می‌کنند و علاقه ندارند تا به واسطه تعاملاتی که با دیگران در زمینه‌های مختلف دارند این اطلاعات از اختیارشان خارج گردد. بر همین اساس به منظور تنظیم روابط کلی خود با شرکت طرف قرارداد یک نمونه از این قراردادهای حفظ اطلاعات را تنظیم نموده و آن را بر تمام قراردادهای آتی و تبادل اطلاعاتی که دارند حاکم می‌سازند. البته ممکن است طرف دیگر نیز این

<sup>۱</sup>. Principle of Severability of the Arbitration Agreement

تمایل را داشته باشد تا طرف مقابل نیز این اطلاعات را محرمانه نگاه دارد و بر این اساس تنظیم دوجانبه قرارداد حفظ اطلاعات را دنبال خواهد کرد.

#### مبحث سوم- وابستگی با قرارداد پایه

در مواردی که این قرارداد بر پایه‌ی قرارداد دیگری منعقد می‌شود، و یا به صورت شرط ضمن عقد درج می‌گردد دوره و مدت قرارداد پایه و فسخ، بطلان یا خاتمه آن اصولاً نقشی در اعتبار قرارداد حفظ اطلاعات ندارد. این موضوع بر خلاف اصل وابستگی شرط به عقد است که در نظام حقوقی ما و بسیاری نظام‌های دیگر پذیرفته شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۲۹۹). بر اساس این اصل شرط ضمن عقد و خود عقد در یکدیگر تأثیر و تأثر دارند و گرچه اعتبار شرط همواره در اعتبار عقد تأثیر نمی‌گذارد لیکن در جهت عکس در تمامی موارد اعتبار شرط وابسته به اعتبار عقد است (عاملی، ۱۳۸۱، ۱۴۱). لیکن در این نوع قراردادها طرفین از یک سو مدتی بیش از مدت اعتبار قرارداد پایه، برای اعتبار این شروط قرار می‌دهند و از سوی دیگر در قرارداد خود درج می‌کنند که ابطال، خاتمه یا فسخ قرارداد پایه نقشی در اعتبار این شروط نخواهد داشت. این استقلال شرط از عقد نیز مسبوق به سابقه است. در حقوق ما همانند بسیاری از نظام‌های حقوقی دیگر استقلال شرط داوری کاملاً پذیرفته شده است<sup>۱</sup>، بدین صورت که در صورت بطلان قرارداد، شرط داوری معتبر باقی می‌ماند و رسیدگی به اعتبار یا بطلان قرارداد داوری نیز در صلاحیت خود داوران می‌باشد (جنیدی، ۱۳۷۶ : ۱۴۶). علاوه بر این در صورتی که باور برخی فقها به امکان تحدید قاعده تبعیت شرط از عقد را بپذیریم (طباطبایی الحکیم ۱۳۹۱ ج ۱۲: ۲۶۸)<sup>۲</sup>، تفاوتی میان عدم تبعیت شرط از عقد در جواز و لزوم و عدم تبعیت در بقاء و عدم بقاء و صحت و بطلان نخواهد بود. در کنار این استدلال، شاید اعمال قاعده انحلال عقد واحد به عقود متعدده نیز در اینجا کارساز باشد. هر گاه عقد به امر مرکبی تعلق گیرد که هر یک از اجزاء آن صلاحیت دارد متعلق عقد قرار گیرد در این صورت عقد مزبور ولو بر حسب ظاهر دارای یک انشاء بیشتر نیست، ولی در

<sup>۱</sup> البته چنین نکته‌ای در باب داوری قانون آیین دادرسی مدنی مورد اشاره قرار نگرفته است و حتی از ماده ۴۶۱ این قانون گمان رد این اصل در داوری داخلی می‌رود. لیکن در قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶/۶/۲۶ مجلس شورای اسلامی، این نکته به وضوح در بند ۱ ماده ۱۶ درج گردیده است.

<sup>۲</sup> "... و بالجمله فکلمات الصحاب خالیه عن التعرض لهذه القاعدة و يظهر منهم عدم البناء علیها و لزوم العمل بالشروط و ان كانت فی عقد جائز و العبارات السابقة لابد من حملها علی غیر هذا المعنی...»

## نگاهی اجمالی بر قرارداد حفظ اطلاعات/۹۹

حقیقت به منزله عقدهای متعددی است که هر یک به جزئی از اجزاء متعلق عقد تعلق گرفته است (گرچی، ۱۳۷۰، ۶۱). در قراردادهایی که واجد شرط حفظ اطلاعات است، گرچه انشاء واحدی بر موضوع اصلی عقد و تمام شروط مندرج در آن تعلق می‌گیرد، لیکن هر یک از شروطی که مستقلاً مورد مطالبه طرفین است، و می‌توانست تحت عقد واحد دیگری انشاء شود، این قابلیت را دارد تا تحت قواعد متفاوت از آنچه بر عقد اصلی حکومت دارد قرار گیرد، چنانچه در لزوم و جواز، صحت و بطلان و فسخ یا بقا به صورت مستقل عمل نماید.

### بخش دوم- محتوای قرارداد

در بخش دوم این مقاله لازم است به عناصر و بخش‌های اصلی این قرارداد اشاره گردد. در واقع این قراردادها نیز به سان اغلب قراردادها از دو محتوای عمومی و اختصاصی تشکیل یافته‌اند. قسمت‌های اختصاصی در واقع همان بخش‌هایی می‌باشند که این نوع قراردادها را متمایز از سایر قراردادها ساخته و شایسته عنوان جداگانه‌ای می‌سازند. نقطه اصلی این بخش، همان موضوع قرارداد خواهد بود که حقوق و تعهدات متقابل طرفین بر اساس و در چارچوب آن تعریف می‌گردد. بخش‌های عمومی، نکاتی از قرارداد هستند که در اغلب قراردادها چهره‌ای یکسان می‌یابند، مانند شروط مربوط به قوه قاهره که موجب معافیت متعهد از تعهداتی می‌گردد که به واسطه وقوع چنین حادثه‌ای از انجام تکالیف خود باز مانده است. در ادامه سعی شده است تا صرفاً محورها و بخش‌های اختصاصی قرارداد مورد بررسی قرار گیرد و از بخش‌های عمومی آنچه در این قراردادها اهمیت ویژه‌ای می‌یابند، مورد اشاره‌ای مختصر قرار گیرد.

### مبحث اول- کلیات قرارداد

#### بند اول- مقدمه توضیحی<sup>۱</sup>

اهداف انعقاد این قراردادها می‌تواند در یک پاراگراف کوتاه خلاصه شده و طرحی کلی از زمینه و مبنایی که اطلاعات بر اساس آن به طرف دیگر داده می‌شود و همچنین اهدافی که طرفین در پی رسیدن به آنها بوده‌اند، ارائه دهد. این بخش گرچه اختیاری و بسته به تمایل طرفین است اما تا جایی که می‌تواند انتظارات طرفین را از قرارداد روشن سازد، به خصوص به هنگام بروز

<sup>۱</sup>. Recitals, Whereas Part

اختلاف، به قاضی کمک می کند تا بهتر انگیزه ها را بفهمد و تفسیر روشن و دقیق تری از خواسته ها و انتظارات طرفین داشته باشد.

#### بند دوم- تعاریف

بهتر است به منظور جلوگیری از اختلافات آتی، طرفین بخشی را برای تعریف عبارات و کلماتی که در قرارداد از آنها استفاده می نمایند قرار دهند، مفاهیمی مانند اطلاعات،<sup>۱</sup> محرمانه بودن،<sup>۲</sup> افشا،<sup>۳</sup> کارکنان<sup>۴</sup> و مشاوران،<sup>۵</sup> دسترسی عمومی<sup>۶</sup> و پیمانکاران فرعی<sup>۷</sup> از این قبیل هستند. معمولاً ارائه دهنده اطلاعات به دنبال این است تا اطلاعات را به نحو وسیعی تعریف نماید، در حالی که در مقابل، دریافت کننده به دنبال آن است تا اطلاعات را به نحو محدود و مضیقی تعریف نماید. این امر به این خاطر است که اصولاً در قرارداد حفظ اطلاعات، به صورت یک طرفه تعهداتی بر عهده دریافت کننده اطلاعات قرار می گیرد. تعریف گسترده از مفاهیم مذکور در قرارداد می تواند موجب گسترش تعهدات دریافت کننده اطلاعات گردد، در حالی که در جهت مقابل این اطمینان را به ارائه دهنده می دهد تا به نحو حداکثری حقوق خود را تحت قرارداد تضمین نماید. به هر حال اطلاعاتی که در این رابطه مبادله می شود، دو دسته عمده اسرار تجاری و اطلاعات محرمانه را در بر می گیرد. شرط حفظ اطلاعات هر دو دسته را شامل می شود. اسرار تجاری اطلاعاتی هستند که تحت قوانین مربوطه این گونه شناخته می شوند و شامل اسناد، مفاهیم، ایده ها، دانش فنی، طرح ها، روش ها، اطلاعات، فرایندها، فرمولها، اصلاحات، ترکیبات، اختراعات و اکتشافات، مشخصات کالا، روش های توزیع، تحقیقات حال و آینده، روش های تولید و توسعه، لیست مشتریان اطلاعات بازار، لیست قیمت ها، طرح کاری، نرم افزارها و برنامه های کامپیوتری و از این قبیل امور است.<sup>۸</sup> اطلاعات محرمانه شامل آن چیزی می شود که گرچه در زمره

1. Information
2. Confidentiality
3. Disclosure
4. Personnel
5. Consultants
6. Public access
7. subcontractors

<sup>۸</sup> ماده ۵۶ قانون تجارت الکترونیکی اشاره دارد: اسرار تجاری الکترونیکی "داده پیامی" است که شامل اطلاعات، فرمولها، الگوها، نرم افزارها و برنامه ها، ابزار و تکنیک ها و فرآیندها، تألیفات منتشر نشده، روش های انجام تجارت دادوستد، فنون، نقشه ها و فراگردها، اطلاعات مالی، فهرست مشتریان، طرح های تجاری و امثال اینها است که به طور

## نگاهی اجمالی بر قرارداد حفظ اطلاعات/۱۰۱

اطلاعات تجاری نیستند لیکن از دسترس عموم نیز خارجند؛ مانند اظهارنامه‌ها، صورت‌های مالی، ترازنامه‌ها، بودجه‌ها و هر اطلاعاتی که عنوان محرمانه بر آن درج گردد ( American Bar Association, 2006:190).

### مبحث دوم- تعهدات دریافت کننده اطلاعات

شخصی که بر اساس قرارداد، اطلاعات را دریافت می‌کند لازم است تا در رابطه با اطلاعاتی که در اختیار وی قرار داده می‌شود یک سری از تعهدات را به عهده بگیرد که از مهمترین آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

۱) گیرنده اطلاعات بایستی آنها را صرفاً به منظور اهداف ذکر شده در قرارداد به کار گیرد. اطلاعاتی که تحت قرارداد پایه و یا در رابطه با آن در اختیار دریافت کننده قرار می‌گیرد واجد ارزش مالی هستند و طرف دیگر آنها را صرفاً به منظور حسن اجرای قرارداد پایه در اختیار دریافت کننده قرار می‌دهد. او هیچ تمایلی ندارد تا اطلاعات در زمینه‌های دیگری که مربوط به قرارداد نیست مورد استفاده قرار گیرد زیرا این امر موجب تضییع و یا کاهش درآمد ارائه دهنده اطلاعات می‌گردد. بر این اساس در صورتی که پیمانکار یک سری اسناد فنی مربوط به مهندسی پایه را از کارفرما دریافت کند وی نمی‌تواند آن اطلاعات را به شرکت‌های دیگری بفروشد و یا در انجام قرارداد دیگری از آن اطلاعات استفاده نماید. این مسئله در جهت مقابله نیز وجود دارد بدین صورت که اگر پیمانکار اطلاعات را فقط به منظور بهره برداری از پروژه موضوع قرارداد در اختیار کارفرما قرار داده باشد وی نمی‌تواند اطلاعات را در پروژه‌های دیگر مورد استفاده قرار دهد.

۲) اطلاعات را تنها به افرادی بدهد که بر اساس معیار لزوم اطلاع<sup>۱</sup> برای انجام قرارداد آن افراد نیاز به آن اطلاعات داشته باشند. این معیار مفید به این معنا است که تنها اشخاصی اعم از کارمندان و مشاوران و مدیران دریافت کننده حق دسترسی به اطلاعات را دارند که بر اساس شرح وظائف کلی خود در شرکت و یا در رابطه با قراردادی خاص لازم است که اطلاعات در اختیار آنها قرار

---

مستقل دارای ارزش اقتصادی بوده و در دسترس عموم قرار ندارد و تلاش‌های معقولانه‌ای برای حفظ و حراست از آنها انجام شده است»

قانون متحدالشکل اسرار تجاری آمریکا (Uniform Trade Secrets Act (UTSA) در ماده ۱ بخش ۴ تعریف مشابهی البته با گستره ای وسیع تر را ارائه داده است.

<sup>۱</sup>. Need to Know

گیرد. بنابراین لازم نیست تمام کارمندان شرکت این شرط حفظ اطلاعات را امضاء نمایند (Steingold, 2010:220). بلکه کافی است تا افرادی که بر اساس معیار فوق به این اطلاعات دسترسی دارند، متعهد به حفظ آن اطلاعات و عدم افشاء آنها باشند.

۳) اقدامات مناسب و متعارفی برای حفظ اطلاعات انجام دهد. اقدامات مناسب شامل استانداردهای مراقبت از اطلاعات می‌شود که دریافت کننده برای حفظ آن باید آنها را به کار گیرد. این میزان مراقبت نباید کمتر از مراقبتی باشد که برای حفظ اطلاعات خود صورت می‌دهد. این امر کافی نیست که دریافت کننده اطلاعات، آنها را در اختیار اشخاص ثالث قرار ندهد بلکه وی باید تضمینات لازم را به منظور حفظ اطلاعات و عدم دسترسی دیگران خصوصاً شرکت‌های رقیب ترتیب دهد و روش‌های اجرایی لازم را به این منظور اتخاذ نماید. به طور مثال امنیت شبکه مورد استفاده خود را افزایش دهد و در همین راستا محدودیت‌هایی در دسترسی کارمندان بر حسب طبقه بندی اطلاعات ایجاد نماید. در صورت افشای اطلاعات ادعای دریافت کننده مبنی بر عدم افشای عمدی اطلاعات پذیرفته نمی‌شود بلکه وی بایستی اثبات نماید که کلیه اقدامات و تدابیر معمول و متعارف برای حفظ اطلاعات را انجام داده است. از متعهد نمی‌توان انتظار داشت تا هزینه‌ای کلان برای حفظ اطلاعات را متحمل گردد؛ اما نمی‌توان از بی‌مبالاتی و تقصیر وی در حفظ اطلاعات نیز گذشت.

۴) متعهد تضمین نماید کسانی که اطلاعات برای آنها افشا می‌گردد از اقداماتی نظیر استفاده از اطلاعات ممنوع و افشای آنها ممنوع شده و اطلاعات را در حد استانداردهای قرارداد حفظ می‌کنند. این امر خارج از توان کارفرما است که تضمین نماید کلیه افرادی که به صورت مجاز اطلاعات در اختیار آنها قرار گرفته است دستورات راجع به حفظ آنها را رعایت می‌کنند زیرا این کار به منزله تضمین انجام تعهداتی است که بر عهده ثالث قرار گرفته است اما با این حال دریافت کننده بایستی تدابیری را بیاندیشد تا امکان افشای اطلاعات تا حد امکان کاهش یابد و تضمیناتی مانند تنظیم قرارداد مشابه حفظ اطلاعات با این اشخاص برای حفظ حقوق ارائه دهنده اطلاعات مقرر نماید. این اقدام تعهداتی مشابه آنچه بر دوش دریافت کننده اطلاعات قرار گرفته است را بر عهده دریافت کننده دست دوم قرار می‌دهد.

گفتنی است که عدم تضمین تعهدات ثالث فقط در رابطه با اشخاص ثالث موضوعیت پیدا می‌نماید زیرا کارمندان و سایر بخش‌های دریافت کننده از آنجا که به عنوان بخش و عضوی از خود دریافت کننده هستند شخص ثالث محسوب نمی‌گردند و هر گونه نقض قرارداد از جانب هر

### نگاهی اجمالی بر قرارداد حفظ اطلاعات/۱۰۳

یک از بخش‌های دریافت‌کننده اطلاعات به مفهوم نقض قرارداد از جانب دریافت‌کننده اطلاعات می‌باشد.

۵) دریافت‌کننده اطلاعات ممکن است متعهد شود تا در تاریخ معینی کلیه اطلاعات و اسناد را مسترد یا امحا نماید (Stein gold, 2010:221). و یا طرفین تدابیر دیگری را در خصوص اسناد و اطلاعات موضوع قرارداد پس از خاتمه آن اتخاذ نمایند (Bly, 2004:468). در صورتی که طرف دیگر پس از این تاریخ اسناد را نزد خود نگهداری نماید یا از آن استفاده نماید، طبق قرارداد مسئولیت خواهد داشت. گرچه در این مورد به خصوص در رابطه با نگهداری غیرمجاز رونوشت‌ها اثبات ورود ضرر و خسارت به طرف دیگر چندان آسان نیست لیکن با این حال در صورت اثبات، دادگاه می‌تواند دریافت‌کننده اطلاعات را ملزم سازد تا در صورت نگهداری غیرمجاز اسناد، مبالغی را برای هر روز تأخیر در انجام تعهد پرداخت نماید.

۶) دریافت‌کننده اطلاعات نمی‌تواند اطلاعات مزبور را به زیان و بر خلاف منافع ارائه‌دهنده به سود خود یا شخص دیگر استفاده نماید. در دعوی *Uniroyal Goodrich Tire co v. Hodson* دادگاه دستور موقت خود مبنی بر عدم امکان پذیرش شهادت کارشناسی ویلیام هودسن، کارگر سابق شرکت یونیرویل، را نقض نکرد؛ زیرا شرکت مزبور بر این باور بود که شهادت آقای هودسن بر خلاف قرارداد حفظ اطلاعاتی است که وی قبلاً امضاء نموده است و در آن متعهد به عدم افشای اسرار تجاری بوده است. در بسیاری ایالات آمریکا نیز قوانینی به تصویب رسیده است که در آن افشاء اطلاعات محرمانه ممنوع گردیده است (Walkowiak, 2008:359). چنین شرطی به طور مطلق جایی ندارد؛ به طور مثال در صورتی که فرد مطالباتی از شرکت ارائه‌دهنده اطلاعات داشته باشد، نمی‌توان مدارک وی در رابطه با شرکت مزبور را که از خود آن شرکت کسب شده است، به استناد قرارداد حفظ اطلاعات، غیرقابل استماع شمرد. همچنین در مواردی که دعوی کیفری است و فرد ناچار از ارائه شهادت است نمی‌توان چنین توجیهی را برای عدم الزام به شهادت مورد پذیرش قرار داد.

### مبحث سوم-گستره

در تعیین گستره اطلاعاتی که در چارچوب قرارداد مبادله می‌شود، ممکن است این ابهام پیش بیاید که کدام یک از این اطلاعات تحت حمایت قرار می‌گیرد. بسیاری از مصادیق مالکیت فکری و ذهنی تحت حمایت قانون قرار گرفته‌اند و شاید تنظیم قراردادهای حفظ اطلاعات به نوعی تکرار

همان حمایت‌های قانونی و مقررات مندرج در قوانین مربوطه باشد. با این حال از یک سو بسیاری از اطلاعات مورد مبادله تحت حمایت‌های قانونی قرار نمی‌گیرد و از سوی دیگر حمایت‌های قانونی مقید به رعایت شرائط و تشریفات است که مقنن در کشورهای مختلف رعایت آن را ضروری دانسته است. به طور مثال در رابطه با اختراع لازم است تا فرد اقدام به ثبت اختراع خویش و پرداخت مبالغ مقرر کرده باشد، ضمن اینکه به صورت ماهوی نیز لازم است اختراع یک سری شرائط خاص مانند جدید بودن و خلاقانه بودن را داشته باشد. اما اطلاعاتی که در چارچوب روابط قراردادی دریافت کننده اطلاعات و ارائه دهنده اطلاعات مبادله می‌شود ممکن است تمامی این شرائط را نداشته و بسیاری از آنها هنوز تحت حمایت‌های قانونی قرار نگرفته باشند. بر این اساس لازم است تا طرفین با انعقاد این قرارداد حمایت‌های خود را به این اطلاعاتی که البته برای آنها ارزش اقتصادی دارد، گسترش دهند. بنابراین در این قراردادها لازم است تا اطلاعاتی که محرمانه تلقی می‌گردد به طور مشخص بیان گردد (Bly, 2004:468). معمول است که در این قراردادها ذکر می‌شود که کلیه اطلاعات صرف نظر از اینکه ثبت شده و یا ثبت نشده باشند تحت محدودیت‌های قرارداد قرار گیرند و دریافت کننده اطلاعات نمی‌تواند به این بهانه از تعهدات خود شانه خالی کند. در صورتی که اطلاعات تحت حمایت‌های قانونی دیگر باشد این نکته در قرارداد ذکر می‌شود که دریافت کننده اطلاعات هیچ حق مالکانه‌ای نسبت به اطلاعات دریافتی نمی‌باید و صرفاً حق استفاده از آنها برای منظور خاص طرفین را خواهد داشت (Cockburn, 1996:272). در این نوع قراردادها به هنگام مبادله اطلاعات و اسناد به منظور تفکیک اطلاعات دارای ارزش اقتصادی با سایر اسناد و مدارک عادی، با رعایت استانداردهای خاصی، اسنادی که لزوماً تحت حمایت‌های قراردادی قرار می‌گیرند، نشانه‌های خاصی مانند مهر "محرمانه"<sup>۱</sup> بر آنها درج می‌گردد.

#### بخش سوم- نقض تعهدات و ضمانت اجراء

پس از آنکه ماهیت، شکل و محتوای قراردادهای حفظ اطلاعات مورد بررسی قرار گرفت، این سؤال پیش می‌آید که چه اقدامات مشخصی از سوی متعهد منتج به نقض تعهدات مندرج در قرارداد می‌شود و چه تبعات حقوقی بر چنین اقدامی بار خواهد شد. برخلاف سایر قراردادها که بیشتر ناظر بر انجام یک سری اقدامات مثبت هستند، قراردادهای حفظ اطلاعات بیشتر ناظر بر تعهد

<sup>۱</sup>. Confidential



## نگاهی اجمالی بر قرارداد حفظ اطلاعات/۱۰۵

ترک فعل هستند؛ گرچه در کنار آن یک سری تعهدات مثبت مقدماتی را باید انجام دهند. علاوه بر این، ابهام در رابطه با ضمانت اجرای نقض تعهدات مندرج در این قراردادها نیز ممکن است ابهاماتی را راجع به میزان اعتبار این قراردادها و نقش آنها در ایجاد حقوق و تکالیف قراردادی ایجاد نماید. در بخش سوم، این دو مسئله مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

### مبحث اول - نقض تعهدات

همان‌طور که گفته شد، تعهد به حفظ اطلاعات و عدم افشای آنها نزد اشخاص ثالث موضوع و تعهد اصلی در قراردادهای حفظ اطلاعات می‌باشد. بر این اساس افشاء اطلاعات می‌تواند به درستی نقض تعهدات قراردادی تلقی شود. گرچه در نگاه اول توصیف این عنوان و تمیز مصداق‌های آن آسان جلوه می‌کند، لیکن ابهام در رابطه با مفهوم افشاء، دامنه آن و استثنائاتی که در این زمینه قابل اعمال است، بررسی عمیق‌تر این موضوع را می‌طلبد.

### بند اول - مفهوم افشاء

همان‌طور که گفته شد در بعضی موارد، اطلاعات و دانشی که موضوع قرارداد حفظ اطلاعات است هنوز به وسیله حق مالکیت فکری حمایت نشده است. در این موارد اجازه افشای اطلاعات و اختراعات ثبت نشده،<sup>۱</sup> دانش،<sup>۲</sup> ایده<sup>۳</sup> یا مفهوم<sup>۴</sup> به شخص ثالث یا استفاده در موارد دیگر می‌تواند تمام تلاشهای ارائه دهنده اطلاعات را برای بدست آوردن چنین حمایتی بی‌اثر سازد. بنابراین بسیار ضروری است تا محدوده اطلاعات و دانشی را که در شمول قرارداد قرار می‌گیرد، تعیین نماییم. دو فرض در این مورد قابل تصور است. فرض اول در جایی است که اطلاعات کاملاً مرتبط با یک پروژه خاص مانند توصیف یک اختراع است. حالت دوم مواردی را شامل می‌شود که اطلاعات بایستی به تدریج در یک همکاری گسترش یافته بین طرفین مانند یک دوره تحقیقاتی یا مشارکت افشاء شود.

### (۱) افشاء معین اطلاعات

<sup>۱</sup>. Non-Patented Inventions

<sup>۲</sup>. Know-how

<sup>۳</sup>. Ideas

<sup>۴</sup>. Concepts

افشاء معین اطلاعات<sup>۱</sup> به طور خاص مربوط به مخترعی می‌گردد که تمایل دارد تا قبل از اینکه در خواست ثبت خود را ارائه دهد قراردادی را با یک تولیدکننده یا صاحب کارخانه به منظور بازاریابی اختراع خود منعقد نماید. در این زمینه اطلاعاتی که باید افشاء شود می‌تواند از پیش تعیین گردند مانند توصیف اختراع و خصوصیات فنی آن. در این زمینه بیشتر توصیه می‌شود تا لیست اطلاعات و مدارکی که می‌خواهد افشاء شود تا جایی که ممکن است به طور دقیق مشخص گردد، اعم از اینکه موضوع مربوط به یک اختراع باشد یا نرم افزار رایانه‌ای و یا ترتیبات فنی و یا حتی فرمول‌های ریاضی و شیمیایی.

#### ۲) افشای موسع اطلاعات

افشای موسع اطلاعات<sup>۲</sup> بیشتر در رابطه با مواردی مطرح می‌شود که یک مشارکت یا همکاری میان مدت یا طولانی مدت مطرح است. در این نوع همکاری‌ها یا طرح‌های تحقیقاتی، طرفین نمی‌توانند همیشه از پیش، اطلاعات و مدارکی را که قرار است مبادله شود تعیین نمایند. بر این اساس توصیه می‌شود تا یک سیستمی به منظور طبقه بندی اطلاعاتی که در آینده ممکن است افشاء شود برقرار گردد. به طور مثال ممکن است این گونه قید شود که هنگامی که قرار است تا اطلاعاتی به طرف دیگر داده شود در روی آن درج شود که سند مزبور محرمانه است و به وسیله-ای به قرارداد ارجاع گردد و یا اقدام به طبقه بندی اطلاعات کرد. این سیستم به دریافت کننده این امکان را می‌دهد تا از اهمیت سند مطلع گردد و بسته به اهمیت سند تدابیر لازم را اتخاذ نماید. همچنین ممکن است تا تمام اسناد مورد مبادله در قرارداد را محرمانه تلقی کرد و یا در استفاده از اسناد و اطلاعات محدودیت‌هایی ایجاد نمود. محدودیت در اخذ کپی و رونوشت و محدود کردن دسترسی کارمندان دریافت کننده اطلاعات و پیمانکاران فرعی و هم چنین مسترد ساختن تمامی اطلاعات و مدارک به صورت اصل و کپی در پایان مدت قرارداد و پروژه از جمله این محدودیت‌ها است.

#### بند دوم- مفهوم شخص ثالث

<sup>۱</sup> Specific Disclosure of Information

<sup>۲</sup> . Extended Disclosure of Information

## نگاهی اجمالی بر قرارداد حفظ اطلاعات/۱۰۷

مفهوم شخص ثالث یکی از مفاهیم بنیادین قراردادهای حفظ اطلاعات است، زیرا تعهد اصلی که در این قراردادها ذکر می‌شود عدم افشای اطلاعات برای اشخاص ثالث است. مقصود از شخص ثالث، اشخاصی اعم از حقیقی یا حقوقی هستند، که به هیچ عنوان رابطه استخدامی با دریافت کننده اطلاعات ندارند. بر این اساس وظیفه اصلی روشن ساختن مفهوم رابطه استخدامی است. در این رابطه ملاک‌های متفاوتی ارائه شده است که از گستره این مقاله خارج است و باید در موضع مناسب خود مورد بررسی قرار گیرد اما آنچه واضح است این است که باید این مفهوم را به طوری تفسیر نمود که یک گستره عرفی در رابطه با شخص ثالث ایجاد شود. البته بنا بر نظر بعضی نویسندگان این مفهوم را بایستی در رابطه با افرادی که رابطه استخدامی با دریافت کننده دارند نیز به طور موسع تفسیر کرد (Batman, 2007:28). با این وصف، اشخاصی که در رابطه با قرارداد مربوطه وظیفه‌ای به عهده دارند، از شمول تعریف شخص ثالث خارج می‌شوند. البته مشاوران دریافت کننده اطلاعات از جمله مشاوران حقوقی، مالی و حتی سرمایه‌گذاران پروژه را بایستی از شمول عنوان شخص ثالث خارج ساخت هر چند رابطه استخدامی با دریافت کننده اطلاعات نداشته باشند، زیرا عرف تجارت چنین امکانی را می‌دهد تا مشاوران برای ارائه نظرات مشورتی به نحو موسع از اطلاعات مشاوره گیرنده آگاه باشند. مؤسسات تأمین مالی نیز از آنجا که باید بتوانند، برای ارزیابی اعتبار و ریسک پروژه، به اطلاعات محرمانه دسترسی داشته باشند، از شمول عنوان شخص ثالث مستثنی می‌شوند. مؤسسات دولتی نیز که برای انجام پروژه لازم است تا نسبت به صدور مجوز اقدام نمایند، با توجه به نیاز به دسترسی به اطلاعات مشمول عنوان شخص ثالث نمی‌گردند (Huse, 2002:73). امکان گسترش دامنه اشخاصی که حق دسترسی به اطلاعات را دارند نیز در ضمن قرارداد وجود دارد. در این رابطه دریافت کننده تمایل دارد تا افراد بیشتری را در لیست این اشخاص قرار دهد؛ مانند کارکنان وی،<sup>۱</sup> پیمانکاران فرعی احتمالی،<sup>۲</sup> شرکت‌های فرعی،<sup>۳</sup> شرکت مادر و<sup>۴</sup> سایر شرکا.<sup>۵</sup>

### مبحث دوم - استثنائات

1. Recipient's Services
2. Possible Subcontractors
3. Subsidiary Companies
4. Holding Company
5. Partners

گرچه ممکن است در مواردی اقدامی نقض تعهد محسوب شود، اما خروج موضوعی از قرارداد یا یک عذر قانونی موجب عدم مسئولیت دریافت کننده اطلاعات می گردد؛ در ذیل برخی از این مصادیق مورد اشاره قرار می گیرد.

۱- اطلاعاتی که در زمان انعقاد قرارداد در محدوده آگاهی عمومی<sup>۱</sup> است یا بعد از آن وارد این محدوده می شود، بدون اینکه تقصیری را بتوان به دریافت کننده نسبت داد (Drewsen, 2006:3). البته باید توجه نمود که اطلاع عموم با اطلاع چند فرد خاص متفاوت است (Cockburn, 1996:272).

۲- اطلاعاتی که توسط شخص ثالث با حسن نیت به دریافت کننده داده شده است، بدون اینکه شخص ثالث ملزم به قراردادی برای حفظ اطلاعات باشد.

۳- اطلاعاتی که پیش از امضاء قرارداد در اختیار دریافت کننده بوده است.

۴- اطلاعاتی که با یک روش مستقل به دست آمده است مانند اینکه در نتیجه تحقیقی که به کمک یک گروه همکار یا پیمانکار فرعی که به اطلاعات دسترسی ندارند، کسب شده باشد.

۵- اطلاعاتی که طرفین قصد دارند تا از محدوده قرارداد خارج سازند. خارج کردن این اطلاعات یا به این دلیل است که طرفین بر این باورند که اطلاعات مزبور از منابع دیگر نیز قابل دریافت است و یا به دلیل ماهیت آن اطلاعات است؛ چنانکه ممکن است دریافت کننده اطلاعات قصد داشته باشد که اطلاعات مربوط به لیسانس تحت قرارداد قرار گیرد اما اطلاعات مهندسی تفصیلی که بر اساس لیسانس در طول مدت قرارداد تولید می شود از محدوده قرارداد خارج گردد.

۶- اطلاعاتی که دادگاه یا یک مقام صالح عمومی دیگر حکم به افشای آنها داده است. البته در این فرض دریافت کننده باید اطلاع لازم و به موقع را به ارائه دهنده اطلاعات بدهد تا وی بتواند از حقوق خود دفاع نماید. منظور از مقام عمومی صالح هر گونه مرجع قضایی یا عمومی است که بر اساس قانون این اختیار را دارد تا به اطلاعات مربوطه دسترسی داشته باشد، مانند مراجعی که در بورس های سهام هستند و به منظور نظارت و شفافیت در عملکرد شرکت ها حسب قوانین این امکان را دارند تا به اطلاعات مربوط دسترسی داشته باشند. بر این اساس مراجع داوری و همچنین سایر مراجع عمومی که قانون این اختیار را به آنها نداده است را باید از شمول این بند جدا کرد. به طور مثال کارفرمای دولتی یک پیمانکار نمی تواند از وی بخواهد تا اطلاعاتی را که از پیمانکاران

<sup>۱</sup>. public domain

## نگاهی اجمالی بر قرارداد حفظ اطلاعات/۱۰۹

فرعی تحصیل نموده است در اختیار وی قرار دهد. محدوده حکم یا دستور قضایی باید معین باشد و اطلاعات تنها در همان محدوده قابل ارائه است. نمی‌توان به بهانه دستور مقام قضایی کلیه اطلاعات را در اختیار آن مرجع قرار داد. به طور مثال در رابطه با درخواست مراجع بورس اوراق بهادار تنها اطلاعات مالی را می‌توان ارائه کرد و اطلاعات فنی را باید از محدوده چنین درخواستی خارج ساخت.

### مبحث سوم-ضمانت اجرای حقوقی

مسئولیت ناشی از نقض قراردادهای حفظ اطلاعات نیز همانند مسئولیت‌هایی مانند مسئولیت ناشی از عیب کالا، مسئولیت متصدی حمل‌ونقل و مسئولیت حرفه‌ای پزشکان در زمره مسئولیت‌هایی است که در مرز میان مسئولیت مدنی و قراردادی قرار دارند. طبق قواعد کلی حقوقی هیچ کس حق ندارد حقوق معنوی ایجاد شده برای دیگری تحت قانون را نقض نماید، از سوی دیگر دریافت کننده اطلاعات نیز متعهد می‌شود، اطلاعاتی را که دریافت کرده جز در محدوده مجاز استفاده ننماید و آنها را برای دیگری افشا ننماید. بر این اساس در صورتی که دریافت کننده اطلاعات، آنها را برای مقاصد دیگری استفاده نماید وی تحت هر دو عنوان مسئولیت مدنی و قراردادی مسئولیت خواهد داشت. اما این تطابق را نباید کامل دانست، زیرا که در بعضی مصادیق، تعهداتی تحت قرارداد وجود دارد که تحت حمایت قانون قرار نمی‌گیرد، در حالی که طرف دیگر متعهد به رعایت آنها است؛ این مصادیق دو گروه از حقوق را شامل می‌شود. یک دسته از حقوق اصولاً در قوانین شناسایی نشده‌اند، ضمن اینکه ممکن است دسته دیگری از حقوق که مورد شناسایی قانونی قرار گرفته‌اند، صرفاً جنبه‌های خاصی را مورد پوشش قرار دهند و به صورت محدود اقدامات معینی در رابطه با حق مورد حمایت را منع نمایند.

ماهیت دوگانه این تعهدات موجب می‌شود این سوال پیش آید که مسئولیت ناشی از نقض این تعهدات در زمره مسئولیت مدنی قرار می‌گیرد یا مسئولیت قراردادی.<sup>۱</sup> این تفکیک از این جهت

---

<sup>۱</sup> پرونده Peabody v. Norflok. (1868). 452, 458 (98 Mass.) یکی از اولین پرونده‌های مطرحه در آمریکا در رابطه با تعهد عدم افشای اطلاعات است. در این پرونده خواهان دستگاهی را با یک فرآیند جدید اختراع کرده بود و خواننده را به عنوان مهندس مکانیک استخدام کرده بود. در قرارداد، خواننده متعهد به عدم افشاء و عدم استفاده از اطلاعات در دسترس شده بود. پس از چندی خواننده استعفا کرده و با نقض قرارداد خود اطلاعات دستگاه

اهمیت می‌یابد که بعضی شرائط و آثار این دو نظام مسئولیت با یکدیگر متفاوت هستند. به طور مثال در مسئولیت مدنی اصل پیش‌بینی بودن ضرر چندان به صورت عام پذیرفته نشده است، در حالی که در مسئولیت قراردادی پذیرش این شرط برای ایجاد مسئولیت با موافقت بیشتری همراه بوده است. از سوی دیگر در مسئولیت قراردادی اثبات تقصیر لازم نیست و همین که اثبات گردد ضرر ناشی از عمل عامل زیان بوده است برای مسئول شناختن وی کافی است. خسارت معنوی نیز بر خلاف مسئولیت مدنی در مسئولیت قراردادی پذیرفته نشده است و نمی‌توان به بهانه نقض تعهد چنین خسارتی را مطالبه کرد. در بعضی نظام‌های حقوقی مانند آمریکا و انگلیس که خسارت تنبیهی پذیرفته شده است نیز صدور حکم به چنین خسارتی صرفاً در رابطه با مسئولیت مدنی قابل تحقق است.

حال در رابطه با نقض تعهدات ضمن قرارداد حفظ اطلاعات باید میان تعهداتی که به طور عام مورد حمایت قانون قرار می‌گیرند و تعهداتی که صرفاً بر اساس قرارداد آن تعهد ایجاد شده است تفکیک قائل شد. به طور مثال استفاده بدون مجوز از اختراع دیگری و اطلاعات مربوط به آن می‌تواند موجب مسئولیت گردد در حالی که کمتر قانونی است که صرف افشای اطلاعات را به عنوان قاعده‌ی عام مسئولیت مورد شناسایی قرار دهد و اطلاعات را مورد حمایت قرار دهد. حتی در بعضی موارد حمایت قانون به صورت صریح شامل برخی از موضوعات نمی‌شود چنانکه در قوانین ثبت اختراعات بیان می‌گردد که اطلاعات و اسرار تجاری قابل ثبت و حمایت نیستند در حالی که این مسائل به وضوح در قراردادهای حفظ اطلاعات مورد حمایت قرار می‌گیرند. با این توضیح باید بر این نظر بود که در مواردی که موضوع تحت حمایت، اصالتاً نیز تحت حمایت قانون قرار گرفته است نقض آن باعث مسئولیت می‌شود و این بنا به اختیار خواهان یا همان زیان‌دیده است تا میان آن دو نظام یکی را برگزیند؛ مگر اینکه انتخاب نظام مسئولیت مدنی به نوعی مخالف با خواست‌های طرفین در تنظیم قرارداد و انتظارات عرفی آنها از تعادلی باشد که قرارداد را بر اساس آن بنا نهاده‌اند. در رابطه با اطلاعاتی که به طور مستقل تحت حمایت قانون قرار نمی‌گیرند در مقابل باید این نظر را برگزید که صرفاً قرارداد را می‌توان به عنوان مبنای

---

را افشاء نمود و ماشینی شبیه آن را تولید کرد. خواهان برای صدور حکم توقیف فعالیت اقامه دعوی نمود. دادگاه خواسته را مورد قبول قرار داد و حکم توقیف اقدامات را صادر نمود. دادگاه ضمن اینکه بر حق مالی بودن اطلاعات اصرار داشت به نقض تعهدات قراردادی نیز توجه کرده بود (Hutter, 1978:7).

## نگاهی اجمالی بر قرارداد حفظ اطلاعات/۱۱۱

مسئولیت پذیرفت به این صورت که نقض تعهدات مندرج در قرارداد را در قالب مسئولیت قراردادی توصیف کرد.

به منظور رفع ابهام از اعمال ضمانت اجراهای حقوقی نیز مناسب تر است تا در قرارداد این نکته که اطلاعات به هزینه سنگین شرکت ارائه دهنده تولید شده است و افشای آنها می تواند هزینه سنگینی را برای شرکت مزبور داشته باشد، ذکر شود. همچنین با توجه به اینکه مسئولیت مادی ناشی از نقض این تعهدات با فرآیندهای اجرایی پیچیده‌ای از جمله اثبات خسارت و میزان آن همراه است، می توان در قرارداد مبلغی به منظور جبران خسارت عدم انجام و نقض تعهد به عنوان ضمانت اجرای قراردادی ذکر کرد (Shaw, 2001:163) و یا سایر ضمانت‌های اجرایی که در صورت نقض قرارداد در اختیار ارائه دهنده اطلاعات است، قید نمود (Batman, 2007:29). با این حال در این رابطه لازم است تا ضمانت اجراهای مقرر با در نظر داشتن اوضاع و احوال متعارف و معقول تعیین شوند (Bly, 2004:46:8). در غیر این صورت دادگاه یا مرجع داوری به این توافقات ترتیب اثر نخواهد داد. نکته‌ی آخر که در این رابطه باید مد نظر قرار داد این است که همچون سایر دعاوی مسئولیت، برای اعمال ضمانت اجراهای حقوقی اثبات عناصر موضوعی تخلف لازم است. بنابراین با توجه به اینکه اثبات استفاده از اطلاعات، با توجه به عدم دسترسی به اطلاعاتی که در اختیار خواننده است، بسیار سخت و مستلزم هزینه و وقت بسیار است (Hutter, 1981:313) لازم است تا رویه قضایی در این رابطه اندکی از خود مسامحه به خرج دهد و اثبات را مطابق قواعد عمومی برای اثبات ادله جستجو نماید، زیرا در غیر این صورت ضمانت اجراهای مقرر قابلیت اعمال پیدا نمی نمایند.

### نتیجه گیری

کثرت انعقاد قراردادهای حفظ اطلاعات و شیوع آن در رویه‌های تجاری، شاید هر گونه بحثی در رابطه با اعتبار و صحت این گونه از قراردادها را بی مورد سازد، و آنچه مهم است جامعیت قرارداد و تطبیق محتوای آن با قانون حاکم و نحوه اعمال شروط آن به هنگام اختلاف است. در حقوق ایران نیز گرچه ماده قانونی خاصی اشاره به صحت و اعتبار این نوع از قراردادها ننموده است، اما امکان اتکا بر ماده ۱۰ قانون مدنی برای اعتبار بخشیدن به این قرارداد، نیاز برای تصویب هر قانون دیگری را مرتفع می سازد، ضمن اینکه موضوع حق حفظ اطلاعات محرمانه در قانون

تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ مورد اشاره قرار گرفته است. با این حال، گرچه قراردادهای حفظ اطلاعات به عنوان یکی از روش‌های مؤثر در حفظ اطلاعات محرمانه و دانش فنی موجود در شرکت‌ها است، با توجه به اینکه دعاوی که موضوع آنها اعمال ضمانت اجراء در رابطه با نقض قراردادهای حفظ اطلاعات هستند از جنبه امور موضوعی و اثباتی، از جمله اثبات نقض تعهد حفظ اطلاعات و اینکه اطلاعات از ارائه دهنده گرفته شده در کنار اثبات ضرر و زیان، مشکلات بسیاری را پیش روی خواهان می‌گذارند، نگاه به این قرارداد به عنوان یک ابزار تضمین کامل، اشتباه است. این امر به خصوص در رابطه با اطلاعاتی که امکان ثبت آنها وجود دارد، بیشتر صادق است، زیرا اشکالات موجود در اثبات نقض قرارداد، استفاده از مکانیسم حق اختراع را برای آنها واجد اولویت می‌سازد، خصوصاً اینکه بنا بر رویه قضایی در برخی کشورها امضاء چنین قراردادهایی وصف جدید بودن را از اختراع می‌گیرد و در آتی نیز امکان ثبت آنها وجود نخواهد داشت. بر این اساس در حفظ حقوق مالکیت فکری اطلاعات در اختیار، لازم است تا روش‌های مختلف به صورت تکمیلی مدنظر قرار گیرند، ضمن اینکه سازمان شرکت‌ها و مؤسسات تجاری به نحوی باید ترتیب داده شود تا اطلاعات تحت ضوابط خاص و دقیقی مورد حفاظت قرار گیرند. رویه‌ی قضایی نیز تا کنون گرچه کمتر با مصادیق این نوع از قراردادها و نحوه اعمال شروط آن مواجه شده است، لیکن آنچه واضح است امکان طرح دعاوی متعدد در این رابطه به خصوص در زمینه‌های مورد توسعه مانند تحقیقات دارویی و نرم افزارهای رایانه‌ای است. علاوه بر این با گسترش حضور بخش خصوصی و شکل‌گیری یک بازار رقابتی، اهمیت حفظ اطلاعات توجهی دو چندان برای عناصر بازار را موجب می‌شود، و رویه قضایی بایستی بتواند تدابیر لازم برای حمایت از این عنصر مهم دارایی شرکت‌ها یعنی اطلاعات و اسرار تجاری را به خوبی اتخاذ نماید.



فارسی

- اسلامی پناه، علی (۱۳۸۰)، "تعارض تعهدات اصلی و فرعی در قرارداد"، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۵۲، صص ۳ تا ۳۶.
- علامه الحلی، الحسن ابن یوسف (۱۴۲۰ ق)، تذکره الفقهاء، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم.
- النجفی، محمدحسن (۱۴۲۳ ق)، جواهرالکلام، جلد ۲۳، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
- امامی، سیدحسن (۱۳۸۰)، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات اسلامی، تهران.
- باقری، محمود و گودرزی، مریم (۱۳۸۸)، "مقایسه نظام حمایتی اسرار تجاری و نظام حق اختراع"، فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۱، صص ۴۱ تا ۶۲.
- جعفر زاده، عسگر (۱۳۷۶)، "شرط؛ اقسام و احکامش"، کانون سال چهل و یکم، دوره دوم، شماره ۱، صص ۸۲ تا ۹۵.
- جنیدی، لعی (۱۳۷۶)، قانون حاکم در داوری‌های تجاری بین‌المللی، انتشارات دادگستر، تهران.
- ذاکر صالحی، غلام‌رضا (۱۳۸۳)، "شروط ابتدایی و تطبیق آن با قراردادهای نامعین"، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۷۶، دفتر سوم، صص ۱۳۹ تا ۱۶۴.
- رهبری، ابراهیم (۱۳۸۸)، "نقش قراردادهای محدودکننده در حمایت از اسرار تجاری مطالعه در حقوق آمریکا، انگلستان، فرانسه و ایران"، تحقیقات حقوقی، شماره ۵۰، صص ۵۳۱ تا ۵۸۶.
- شکاری، روشن علی (۱۳۷۷)، "شرط ابتدایی"، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۳۹، صص ۷۱ تا ۹۲.
- صادقی، محسن (۱۳۸۸)، "مطالعه تطبیقی تعیین مرجع صالح رسیدگی به دعاوی حقوقی نقض اسرار تجاری در فضای دیجیتالی"، مجله قضاوت، شماره ۶۲، صص ۵۴-۵۹.
- طباطبایی الحکیم، سید محسن (۱۳۹۱ ق)، مستمسک العروه الوثقی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

۱۱۴/فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱

- عاملی، سید حسن (۱۳۸۱)، "تبعیت شرط از عقد در لزوم و جواز"، پژوهشنامه متین، شماره ۱۵ و ۱۶، صص ۱۳۹ تا ۱۶۴.
- فرح زادی، علی اکبر (۱۳۸۵)، "رابطه شرط ضمن عقد و قرارداد"، دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۳۸ و ۳۹، صص ۱۵ تا ۲۸.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، شرکت سهامی انتشار، تهران.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۰)، "قاعده تبعیت عقد از قصد و قاعده انحلال"، تحقیقات اسلامی، شماره ۱ و ۲، صص ۵۲ تا ۶۷.
- مکی عاملی ابو عبد الله محمد بن جمال الدین (معروف به شهید اول) (۱۴۱۰ ق)، المعه الدمشقیه فی فقه الامامیه، دارالتراث.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۵)، قواعد فقهیه، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۵)، تحریر الوسیله، الجزء الاول، انتشارات دارالعلم. قم.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۶۳)، البیع، جلد اول، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم.
- هداوند، مهدی (۱۳۸۳)، "حمایت از اسرار تجاری در حقوق امریکا"، کانون وکلا، شماره ۱۸۴ و ۱۸۵، صص ۲۵۳ تا ۲۶۱.

لاتین

- American Bar Association (2006), "Model Joint Venture Agreement with Commentary", Joint Venture Task Force of the Negotiated Acquisitions Committee, Committee on Negotiated Acquisitions.
- Batman, Jean (2007), "Advising the small business: forms and advice for the legal practitioner", American Bar Association. General Practice, Solo & Small Firm Division, American Bar Association.
- Bly, Robert W. (2004), Webster's New World letter writing handbook, Webster's New World.
- Chally, Jon (2004), the Law of Trade Secrets: Toward a More Efficient Approach, 57 Vand. L. Rev. 1269
- Cockburn, Tina (1996), Disclosure Obligations in Business Relationships, Federation Press.

#### نگاهی اجمالی بر قرارداد حفظ اطلاعات/ ۱۱۵

---

- Drewsen, Merete Løwe & Lando, Henrik & Tim (2006), "Cummins, On the Drafting of Confidentiality Agreements" ,[http://papers.ssrn.com/sol3/cf\\_dev/AbsByAuth.cfm?per\\_id=65245](http://papers.ssrn.com/sol3/cf_dev/AbsByAuth.cfm?per_id=65245)
- Granstrand, Ove (2000), The Economics and Management of Intellectual Property: Towards Intellectual Property, Edward Elgar Publishing.
- Huse, Joseph A. (2002), Understanding and Negotiating Turnkey and EPC Contracts, Sweet & Maxwell.
- Hutter, Michael j (1978), "Trade Secret Misappropriation", western new England law review, vol 1, issue1.
- Hutter, Michael J. (1981), "Drafting Enforceable Employee Non-Competition Agreements to Protect Confidential Business Information: A Lawyer's Practical Approach to the Case Law", Albany Law Review, Vol. 45.
- Ramsey, Vivian (2007), Construction Law Handbook, Thomas Telford Limited.
- Shaw, Paul (2001), E-business Privacy and Trust: Planning and Management Strategies, John Wiley and Sons.
- Steingold, Fred S. (2010), Legal Forms for Starting & Running a Small Business, Nolo publication.
- Steingold, Fred S. (2007), the Complete Guide to Selling a Business, Nolo.
- Walkowiak, Vincent S. (2008), the attorney-client privilege in civil litigation, American Bar Association.